گزارش روز

طنین همتی| تولیدات تلویزیونی که توانایی پیوند میان مفاهیم عمیق اعتقادی و فرم های جدید رسانه ای را هم‌زمان در برداشته باشد، کمتر به چشم می خورند. برنامه تلویزیونی «سلام آقا»، محصول گروه معارف شبکه ۲، با رویکردی نو به مقوله «حسرت زیارت» گام برمی دارد؛ اثری که با اجرای صابر خراسانی، قصه های ناگفته بازماندگان از توفیق حضور در کربلای معلی را روایت می‌کند.

این برنامه با تکیه بر پویش معنوی «زیارت به نیابت» و با الهام از اشتیاق قلبی رهبر شهید به زیارت اباعبدا..(ع)، سعی دارد پلی میان زیارت و مخاطب برقرار کند. در این میان، نقش عوامل پشت صحنه که از چهره های خلاق و اهل مشهد در حوزه تولیدات معنوی هستند، بسیار پررنگ است. برای بررسی ابعاد هنری و چالش های تولید با عوامل این برنامه تلویزیونی گفت وگویی اختصاصی داشته ایم.

گفت وگو با عوامل برنامه تلویزیونی « سلام آقا» که این شب ها از شبکه ۲ سیما پخش می شود

حسرت هایی برای رسیدن

قصه های زائران و پویش «زیارت به نیابت از حضرت آقا»

مجید ظریف، تهیه‌کننده مشهدی برنامه «سلام آقا» درباره این برنامه تلویزیونی اعلام کرد: مجموعه «سلام آقا» با تمرکز بر روایت قصه های زیارتی و تجربیات معنوی زائران در حال تولید است.

هدف اصلی ما شنیدن داستان افرادی است که حسرت زیارت امام حسین(ع) را در دل داشتند یا سال ها در انتظار این وصال بودند و سرانجام به آن رسیدند. وی با اشاره به محورهای مهم برنامه بیان کرد: ما در کنار روایت قصه های زائر اولی، تصمیم گرفتیم پویشی را در کنار برنامه راه بیندازیم. در پویش «زیارت به نیابت از حضرت آقا»، از بینندگان دعوت شده است تا در ایام اربعین یا سایر ایام سال، سفر خود را به نیابت از رهبر شهید انجام دهند و جالب اینکه تنها پس از گذشت حدود ۱۰ روز از آغاز این پویش، نزدیک به نیم میلیون نفر آمادگی خود را برای انجام این سفر نیابتی اعلام کرده اند که این نشان دهنده استقبال گسترده مخاطبان است. ظریف یادآور شد: این برنامه در یک فصل چهل قسمتی برنامه ریزی شده که تاکنون حدود بیست قسمت از آن پیش از دهه اول محرم ضبط شده و باقی قسمت ها در ماه های محرم و صفر تولید و یا در حال فیلم برداری است.

وی در بررسی ظرفیت ها و چالش های تولید رسانه ای در مشهد با تأکید بر اینکه مشهد از نظر نیروی انسانی و امکانات فنی ظرفیت های بسیار بالایی دارد بیان کرد: اگر می خواهیم این شهر به قطب تولید رسانه ای تبدیل شود، به یک نگاه راهبردی از سوی مدیریت های اجرایی چون اداره کل فرهنگ و ارشاد اسلامی استان، آستان قدس رضوی و صدا و سیمای خراسان رضوی نیاز داریم. متأسفانه اکنون آمادگی ذهنی کافی برای تولیدات فراگیر در این مجموعه ها وجود ندارد. تهیه‌کننده برنامه «سلام آقا» با اشاره به دشواری های موجود، بیان کرد: نبود حمایت و تسهیلات مناسب باعث می شود تولیدات درجه یک از مشهد به سمت تهران مهاجرت کنند.

وی در پاسخ به سؤالی درباره کمبودهای موجود، توضیح داد: مسائل فنی و دسترسی به عوامل و امکانات در مشهد قابل حل است، اما مشکل اصلی در بحث های اجرایی، بودجه ای و قانونی است. آنچه در تهران با تسهیلات و قوانین راحت تر انجام می شود، در مشهد مستلزم طی کردن هفت خان رها شدن و چالش های اداری و مالی بسیار دشوار است. وی در ادامه بیان کرد: تلاش ویژه ای برای بازگشت پروژه های بزرگ به مشهد و استفاده از ظرفیت عوامل و مجریان مشهدی در جریان است تا پتانسیل های این شهر به درستی در رسانه ها دیده شود. بر همین اساس حدود ۸۰ درصد از عوامل اجرایی و تولیدی برنامه «سلام آقا» را از میان مشهدی ها تشکیل دادیم. از جمله صابر خراسانی در نقش مجری، که بیانگر پیشبرد پروژه ها با استفاده از توانمندی های محلی است.

پیوند مفهومی زیارت؛ از مشهد تا کربلا

حامد قدیری، کارگردان برنامه تلویزیونی «سلام آقا»، با اشاره به دشواری روایت «امر مقدس» در رسانه، ایده اصلی برنامه را تلاش انسان ها برای پُرکردن فاصله میان خود و مقدسات دانست. به گفته او، مسئله اساسی در برنامه های مناسبتی و مذهبی این است که چگونه باید با یک امر مقدس درگیر شد؟ ما با یک دو راهی روبه رو هستیم؛ از یک سو امر مقدس به راحتی تن به روایت عریان و ساده نمی دهد، اما از سوی دیگر رسانه و برنامه ساز تمایل دارد روایتی جامع و بی پرده از پدیده ها ارائه دهد. این همان چالشی است که ما همواره با آن درگیر هستیم.

کارگردان برنامه «سلام آقا» توضیح داد: در این برنامه ایده اصلی بر پایه تلاش برای پُرکردن این فاصله بنا شده است. ما به جای آنکه مستقیما به امر مقدس چشم بدوزیم و بخواهیم آن را روایت کنیم که گاهی ممکن است از قداست آن بکاهد، تصمیم گرفتیم دوربین را بر روی تلاشی متمرکز کنیم که انسان برای رسیدن به آن مقصد انجام می دهد. قصه ما، قصه حسرت های رسیدن است؛ یعنی حسرت کسانی که می خواهند به آن هدف برسند و تمام تلاششان را برای پر کردن این فاصله به کار می‌گیرند. قدیری افزود: در نگاه اول ممکن است تصور شود که به دلیل حضورنیافتن در زیارت، نوعی حسرت وجود دارد؛ اما در توسعه مفهومی ما، خود جایگاه رهبری و ایستادگی ایشان، مصداقی از آن وصال و رسیدن به مقصد بوده است. ما با این پویش، در واقع در حال قدردانی از ایستادگی ایشان هستیم. ما تلاش می‌کنیم این نیابت را در قالب های معنوی و مفهومی فراهم کنیم تا آن فاصله را به شکلی دیگر جبران کنیم.

کارگردان برنامه «سلام آقا» با تأکید بر این نکته که تمرکز اصلی برنامه بر روی «حسرت های زیارتی» قرار دارد، توضیح داد: سوژه ها در این برنامه، افرادی هستند که با مفهوم «حسرت کربلا» گره خورده اند؛ از اسیرانی که در نزدیکی کربلا بودند اما به دلایل خاص موفق به زیارت نشدند، تا شهدا و جانبازانی که وصیت نامه شان لبریز از آرزوی زیارت بوده است. قدیری در توضیح شیوه سوژه یابی تیم تولید برنامه گفت: ما در اتاق فکر، ابتدا یک پازل می سازیم؛ یعنی ابتدا بر مفهوم پر کردن فاصله تمرکز می‌کنیم و سپس به دنبال مصادیق می‌گردیم. گاهی با جست وجو در فضای مجازی، سوژه های بالفعل را پیدا می‌کنیم، اما گاهی از روش تخیل سوژه استفاده می‌کنیم. به این معنا که ابتدا یک سناریوی انسانی را در ذهن می پروریم؛ مثلا فرض می‌کنیم رزمنده ای در مرز مهران که قصه ای برای گفتن دارد، یا جانبازی که تا به حال کربلا نرفته است. سپس به دنبال این افراد در دنیای واقعی می‌گردیم تا قصه واقعی آن ها را استخراج کنیم.

وی با اشاره به نقش کلیدی عوامل برنامه، به ویژه مجری برنامه بیان کرد: انتخاب صابر خراسانی در مقام اجرا، فراتر از یک انتخاب ساده، از منظر مفهومی هوشمندانه بوده است. این مجری مشهدی تجربه حضور در عرصه های اعزام و زیارت را دارد و این باعث شده که با مفهوم زیارت و تقلا برای رسیدن به مقصد پیوند عمیقی داشته باشد. نکته مهم این است که ایده یا مفهوم زیارت در فرهنگ ما، پیوندی ناگسستنی با فرهنگ زیارت امام رضا(ع) در مشهد دارد. وقتی ما از زیارت امام حسین(ع) صحبت می‌کنیم، در لایه های زیرین، این مفهوم در فضای مشهد ملموس است.

مشهد؛ مهد سوژه های انسانی و زیارتی

کارگردان برنامه با اشاره به ظرفیت های عظیم شهر مشهد در زمینه تولید محتوای زیارتی، این شهر را قطب اصلی این نوع روایت ها دانست و تأکید کرد: در مشهد، مفهوم هم جوار بودن و خدمت به زائر بسیار ریشه دار است. در مشهد، ظرفیت های بسیار بالایی برای چنین نگاهی وجود دارد. برای مثال، سوژه هایی داریم که خادمان امام رضا(ع) هستند و کارشان رساندن زائران است؛ این خود مصداق بارز مفهوم «رساندن پیام و رسیدن به مقصد» است. در واقع، در مشهد اهمیت مفهوم زیارت و درگیر شدن با این مقوله بسیار ملموس تر از سایر شهرهاست؛ چراکه هر رهگذری می تواند یک زائر با قصه ای منحصر به فرد باشد که برای رسیدن به زیارت اینجا تلاش کرده است.

کارگردان برنامه «سلام آقا»، ضمن دعوت از مخاطبان برای اشتراک‌گذاری تجربه های زیارتی خود، به معرفی طیف گسترده ای از سوژه های انسانی و دراماتیک پرداخته که قرار است در قسمت های آینده برنامه روایت شوند.

قدیری با اشاره به تداوم پخش این مجموعه، از تمامی علاقه مندان و کسانی که با ایده اصلی برنامه همسو هستند، دعوت کرد تا خاطرات و قصه های خود را با تیم تولید در میان بگذارند؛ اگر کسی خاطره یا قصه ای دارد که با حال وهوای این برنامه هماهنگ است، می تواند از طریق راه های ارتباطی با ما در میان بگذارد. تلاش ما این است که این روایت ها را بشنویم، به آن ها سر و سامانی بدهیم و در قالب برنامه به آن ها بپردازیم.

وی در پاسخ به پرسشی درباره معیارهای انتخاب مهمان، تصریح کرد: تیم تولید قید خاصی برای نوع مهمان ندارد؛ تنها ملاک، داشتن یک «قصه» مرتبط با مفهوم حسرت و تلاش برای زیارت است. این قصه ها می توانند از دو حالت «نرسیدن به مقصد» یا «رسیدن به شکلی دراماتیک» باشند.

قدیری با اشاره به یکی از تأمل برانگیزترین سوژه های برنامه و داستان یک شخصیت هندی گفت: ما حتی سوژه هایی داشتیم که به لحاظ مذهبی مسلمان نبودند اما ارادتی بی‌کران به امام حسین(ع) داشتند. برای مثال، فردی که تمام عمرش را صرف نوشتن کتابی درباره امام علی(ع) کرده بود و در عین حال آرزوی زیارت داشت، اما پیش از آنکه فرصت زیارت یافته و به مقصد رسیده باشد، از دنیا رفت. این ها همگی مصداق همان تلاش برای پر کردن فاصله و رسیدن به یک مقصد معنوی هستند.

خاطره‌نگاری زیارت

نگاهی به برنامه تلویزیونی «آقا سلام»، ویژه برنامه اربعین شبکه ۲ سیما

نقد روز

محمد عنبرسوز| در روزهایی که تقویم به ایام پرشور زیارت اربعین نزدیک می شود، آنتن تلویزیون نیز بیش از هر زمان دیگری پذیرای برنامه هایی با رنگ و بوی فرهنگ عاشورایی شده است. در میان این آثار، «آقا سلام» که این روزها از شبکه ۲ سیما روی آنتن می رود، تلاش کرده تا مسیر متفاوتی را برگزیند که به جای تکرار کلیشه های رایج، بر قدرت روایت و انتقال تجربه زیسته تکیه دارد. در این پنج شش قسمت نخستی که از این برنامه پخش شده، سازندگان «آقا سلام» به دنبال خلق فضایی صمیمی و بی واسطه بوده اند که در آن مخاطب، نه صرفا به عنوان شنونده سخنرانی یا گفت وگویی رسمی، بلکه عنصری همراه با روایت هایی لحاظ می شود که هر کدامشان از زاویه ای متفاوت به زیارت حضرت اباعبدا... الحسین(ع) می نگرند.

مقصدی فراتر از یک سفر

انتخاب محور «زیارت کربلا» برای این برنامه، در آستانه نزدیک شدن به راهپیمایی عظیم اربعین، انتخابی مناسبتی و قابل پیش بینی است. «آقا سلام» اما، بیش از آنکه درباره مناسک سخن بگوید، از تأثیر این سفر بر زندگی معنوی انسان ها سخن می‌گوید؛ از لحظه هایی که گاه مسیر یک زندگی را تغییر داده و نگاه آدم ها را به خود، جامعه و ایمانشان دگرگون ساخته است. این رویکرد باعث شده که برنامه از قالب مناسبتی صرف فاصله بگیرد و به مجموعه ای از روایت های انسانی تبدیل شود؛ روایت هایی که حتی برای مخاطبی که هنوز توفیق زیارت کربلا را نداشته است نیز قابل لمس و همذات پندارانه جلوه می‌کنند.

روایت هایی مبتنی بر تجربه

یکی از مهم ترین نقاط قوت «آقا سلام» به انتخاب مهمانانش بازمی‌گردد. این برنامه به سراغ چهره هایی رفته که تجربه ای شخصی و متفاوت از زیارت امام حسین(ع) دارند و همین تفاوت های روایی، به گفت وگوها رنگ و بویی تازه بخشیده است. در قسمت های ابتدایی «آقا سلام»، چهره هایی همچون علیرضا قزوه، مجید شهریاری، حمزه درخشان و محمدرضا قنبری، با خاطرات و دریافت های خود از این سفر معنوی، مقابل دوربین برنامه نشسته اند و از تجربه ای گفته اند که برای هر یک از ایشان معنایی ویژه و منحصربه فرد داشته است. به علاوه، این برنامه تلاش نمی‌کند تا همه مهمانان را در قالبی واحد قرار دهد. بدین ترتیب، هر روایت، شخصیت مستقل خود را حفظ می‌کند و مخاطب احساس می‌کند که با انسان هایی واقعی روبه رو است، نه صرفا مهمانانی که برای بیان چند جمله از پیش تعیین شده دعوت شده اند.

اجرا در خدمت روایت

انتخاب صابر خراسانی برای اجرای «آقا سلام» از دیگر تصمیم های موفق این برنامه به شمار می رود. خراسانی به واسطه سابقه ادبی و مذهبی خود، لحن فصیح، روان و دلنشینی در اجرای پلاتوها دارد و همین ویژگی باعث شده فضای برنامه از ابتدا تا انتها یکدست باقی بماند. اما مهم تر از این ویژگی، شیوه رویارویی او با مهمانان است. برخلاف برخی مجریان تلویزیون که می کوشند خودشان را در مرکز توجه قرار دهند، خراسانی اغلب از دخالت در روایت ها پرهیز می‌کند، کمتر سخن می‌گوید و اجازه می دهد قصه مهمان به درستی شکل بگیرد و در ذهن مخاطب اثر کند. این خویشتن داری در اجرا، به سود «آقا سلام» تمام شده و گفت وگوها را طبیعی تر و باورپذیرتر کرده است.

جلوه بصری

«آقا سلام» تنها بر گفت وگو متکی نیست. تیتراژ میان برنامه ها و تیزرهای این برنامه عموما خوش ساخت، خلاقانه، چشم نواز و برخوردار از کیفیت بصری مطلوب هستند و در هماهنگی کامل با دکور ویژه آن طراحی شده اند. دکور نیز، با پرهیز از شلوغی و اغراق، فضایی آرام و متناسب با حال وهوای روایت ها ایجاد کرده و مجموعه عناصر بصری در کنار هم، به شکل‌گیری هویت مستقل «آقا سلام» کمک کرده اند.

در مجموع، «آقا سلام» در قسمت های پخش شده از این برنامه نشان داده است که ظرفیت تبدیل شدن به یکی از برنامه های قابل اعتنای مناسبتی تلویزیون را دارد. تکیه بر تجربه های واقعی، انتخاب مهمانان متنوع، اجرای سنجیده، بهره‌گیری از میان برنامه های چشم نواز و توجه به کیفیت بصری، مجموعه ای از امتیازها را برای این برنامه فراهم کرده است.

گپ و گفت

صابر خراسانی، مجری شناخته شده مشهدی از تجربه اجرا در «سلام آقا» می گوید

روایتی از عمق یک عمر انتظار

طنین همتی

برنامه تلویزیونی «سلام آقا» که این روزها از شنبه تا سه شنبه، ساعت ۲۲، از شبکه ۲ سیما پخش می شود، با اجرای صابر خراسانی، روایتی متفاوت از زیارت را به تصویر می‌کشد.

صابر خراسانی، مجری و هنرمند مشهدی، در تشریح نگاه خود به این تجربه گفت: من سال هاست توفیق داشته ام کنار زائر اولی ها باشم و برای اعزام برخی از آن ها قدمی بردارم. هرکدامشان برای من یک کتاب بوده اند، اما آنچه بیش از هر چیز نگاهم را تغییر داد، این بود که فهمیدم حسرت، خودش یک جور زیارت است. آدم هایی را دیده ام که چهل، پنجاه سال فقط با یک سلام از دور زندگی کرده اند. وقتی سرانجام به حرم می رسیدند، احساس می‌کردم این چند قدم، حاصل یک عمر انتظار است، نه چند ساعت سفر. در «سلام آقا» هم دقیقا دنبال همین بودیم؛ اینکه نشان دهیم ارزش زیارت فقط به رسیدن نیست؛ گاهی به تمام سال هایی است که آدم با شوق رسیدن زندگی کرده است.

سکوت؛ احترام به حقیقت

این مجری آیینی درباره تغییر سبک اجرای خود در مواجهه با سوژه های برنامه بیان کرد: این فضا به من یاد داد کمتر حرف بزنم. گاهی ما مجری ها خیال می‌کنیم باید احساس را تولید کنیم، در حالی که این قصه ها خودشان سرشار از احساس اند. وقتی روبه روی کسی می نشینی که سال ها آرزوی یک سلام از نزدیک را با خودش حمل کرده، دیگر لازم نیست اجرا پر از جمله های پرطمطراق باشد. یاد گرفتم بیشتر شنونده باشم تا گوینده. اگر جایی سکوتی در برنامه هست، آن سکوت از سر کمبود کلمه نیست؛ احترام به لحظه ای است که حقیقت، از هر جمله ای رساتر حرف می زند.

خراسانی با اشاره به لحظات فراتر از ضبط برنامه تأکید کرد: بارها در حین ضبط، دوربین و برنامه را فراموش کرده ام و فقط به عنوان یک انسان، تحت تأثیر داستان سوژه قرار گرفته ام. اصلا اگر این اتفاق نیفتد، فکر می‌کنم برنامه از جان خالی می شود. بعضی مهمان ها وقتی از سال های انتظار، از یک نذر قدیمی یا از حسرتی که با آن پیر شده اند حرف می زدند، دیگر آدم یادش می رفت روبه روی دوربین نشسته است. آن لحظه دیگر مجری نیستی؛ فقط انسانی هستی که روایت یک انسان دیگر را می شنود. اتفاقا تلاش کردیم این صداقت در برنامه باقی بماند و همه چیز تبدیل به یک اجرای کنترل شده و نمایشی نشود.

وی درباره دشواری های پیش رو برای رسیدن به روایت صادقانه گفت: بزرگ ترین چالش این بود که دوربین را از ذهن مهمان حذف کنیم. خیلی از سوژه های ما اهل رسانه نبودند؛ آدم های معمولی بودند که فقط یک قصه داشتند. اگر احساس می‌کردند قرار است از آن ها یک مصاحبه گرفته شود، طبیعی بود که خودشان نباشند. برای همین سعی می‌کردم قبل از شروع ضبط، رابطه ای انسانی شکل بگیرد. گفت وگو از همان لحظه ای آغاز می شد که هنوز چراغ دوربین روشن نشده بود. وقتی اعتماد شکل می‌گرفت، قصه هم خودش آرام آرام جاری می شد.

قصه، محور زیارت

خراسانی درباره حفظ ساختار مستندگونه «سلام آقا» گفت: اصل برای ما این بود که قصه، مهم تر از احساسات لحظه ای باشد. احساس اگر در خدمت روایت قرار بگیرد، اثرگذار است؛ اما اگر خودش تبدیل به هدف شود، مخاطب را خسته می‌کند. بنابراین تلاش کردیم هر اشک، هر خاطره و هر سکوت، بخشی از یک مسیر روایی باشد؛ مسیری که از یک انسان آغاز می شود و به یک مفهوم بزرگ تر می رسد. برنامه قرار نبود صرفا احساسات را ثبت کند؛ قرار بود معنای پشت آن احساسات را روایت کند.

دلتنگی؛ نقطه اشتراک تمام روایت ها

این مجری درباره برقراری ارتباط با سوژه های متنوع برنامه بیان کرد: من سعی نکردم تفاوت ها را محور گفت وگو قرار بدهم. از خانواده شهدا تا یک زائراولی، از یک ایرانی تا یک مهمان غیرایرانی، همه در یک نقطه مشترک بودند؛ دلتنگی برای امام حسین(ع). وقتی از همان نقطه مشترک وارد گفت وگو می شوید، خیلی از فاصله های ظاهری از بین می رود. به نظرم آدم ها بیشتر از آنکه با ملیت، شغل یا موقعیت اجتماعی شان شناخته شوند، با آرزوهایشان شناخته می شوند و «سلام آقا» درباره همین آرزوهای مشترک بود.

روایت، امروز اثرگذارتر از توصیه است

وی با تأکید بر ضرورت تغییر رویکرد در برنامه های مذهبی گفت: حقیقت دین، قبل از آنکه در شعار دیده شود، در زندگی آدم ها دیده می شود. نسل امروز بیش از هر چیز دنبال تجربه واقعی است. اگر ببیند یک انسان با همه ضعف ها، محدودیت ها و زندگی معمولی اش، سال ها یک آرزو را با خودش حمل کرده، راحت تر با آن ارتباط می‌گیرد تا اینکه فقط درباره فضیلت ها برایش سخن گفته شود. ما تلاش کردیم به جای اینکه درباره عشق حرف بزنیم، خود عاشق ها را نشان بدهیم. فکر می‌کنم روایت، امروز اثرگذارتر از توصیه است.

صابر خراسانی با تأکید بر زاویه نگاه متفاوت برنامه «سلام آقا» نسبت به مفهوم عشق به اباعبدا...(ع) بیان کرد: معمولا وقتی از عشق به امام حسین(ع) حرف می زنیم، تصویر ذهنی ما کسی است که به مقصد رسیده است؛ اما «سلام آقا» بیشتر سراغ کسانی رفت که هنوز در راه بودند، یا حتی به ظاهر نرسیده بودند. برای من این خیلی مهم بود که مخاطب ببیند عشق فقط در لحظه زیارت تعریف نمی شود؛ گاهی در سال های انتظار، در حسرت، در نیابت، در خدمت به زائران و حتی در سلام دادن از پشت مرز هم خودش را نشان می دهد. این تصویر، شاید کمتر روایت شده باشد.

وقتی مخاطب، بخشی از قصه می شود

این مجری و هنرمند مشهدی درباره اثرگذاری برنامه بر قلب مخاطبان گفت: امید من این است که مخاطب فقط تماشاگر نباشد. اگر برنامه درست روایت شده باشد، مخاطب بعد از چند دقیقه دیگر احساس نمی‌کند دارد زندگی یک آدم غریبه را می بیند؛ احساس می‌کند بخشی از خودش را در آن قصه پیدا کرده است. خیلی از ما شاید امروز امکان رفتن نداشته باشیم، یا حسرتی را با خودمان حمل کنیم که ربطی به زیارت هم نداشته باشد. این قصه ها درباره همین انتظارهای انسانی اند. اگر مخاطب بعد از پایان برنامه، حتی یک سلام از دلش به سمت کربلا برود یا تصمیم بگیرد دست یک زائراولی را بگیرد، آن وقت پل میان برنامه و مخاطب ساخته شده است.